

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۴ فبروری ۲۰۲۲

حمید انوری

کور خود، بینای مردم

دیریست که از رسانه های جمعی خبررسانی های خارجی، می خوانیم و می شنویم و می بینیم که امریکائی ها و متحدین غربی شان و نیز اتحادیه اروپا و...، چپ و راست و شام و پگاه و صبح و بیگاه داد و فریاد راه می اندازند که طالبان باید و بدون قید و شرط و فوری و ضروری، فلان خبرنگار و بهمان گزارشگر و...، را از قید و زندان و توقیف آزاد سازند و...

تا اینجای خبر و گزارش مشکلی ندارد و میگذاریم آنرا به حساب "دفاع از حقوق بشر" و...، و نیز خوب است که مردم ستم دیده افغانستان هنوز به فراموشی کامل سپرده نشده اند و به مصداق ضرب المثل زیبایی ما که "از دل برود، هرآنچه از دیده برفت"، با آنکه از دیده ها برفته ایم، اما هنوز در خاطره ها زنده ایم.

و اما مشکل این قضیه در کجا است؟!

چرا مقامات امریکائی و اروپائی در تلاش آن هستند تا مردم افغانستان را به بی قانونی و قانون گریزی و قانون شکنی تشویق و تشجیع نمایند؟

از یک جانب رژیم طالبان را قانون شکن و بی قانون و قانون گریز گفته، محکوم میکنند، و از جانب دیگر سر غندی خیر نشسته و چپ و راست اوامر صادر می نمایند که قانون را، حتی اگر بدترین قانون روی زمین هم باشد، زیر پا کنند و احمد و محمود و کلبی و مقصود را فوراً از قید و بند آزاد سازند و...

آیا این گونه توقعات، خلاف قانون نیست؟ حتی اگر قوانین طالبی هم باشد؟!

هر نظام در روی کره ارض از خود قوانین و مقرراتی دارد، حال با خوب و بد و بدترین آن کاری نداریم، در هر حال قانون و یا قوانین یک رژیم یا یک کشور باید مراعات گردیده و محترم شمرده شود، حتی اگر قوانین قرون وسطائی طالبی هم باشد.

یک فرد یا یک جمع اگر بنا بر دلایلی توقیف می شود یا می شوند، باید مراحل مختلف را گذراندند و بعد از طی مراحل، به حکم محکمه آزاد گردند و یا همچنان در بند بمانند تا قانون مراعات گردیده و درسی باشد برای دیگران تا جرئت نکنند دست به قانون شکنی بزنند و...

آیا اگر تمام مردم جهان یکصدا فریاد برآورند که امریکا باید فوراً "جولیان آسانژ" Julian Assange را بی گناه و بری الزمه اعلان نماید و از تعقیب قانونی او، حتی اگر قانون نهایت غیر عادلانه و غیر انسانی امریکائی در قسمت او هم باشد، دست بکشد، مقامات امریکائی به این خواسته مشروع و انسانی خلق الله، احترام قائل گردیده و چنان خواهند کرد؟ **ابداً نه و هرگز نه!!!**



گناه جولیان آسانژ چه بود که سال ها در زندان و تبعید بسر برد و اکنون هم انگلیس ها او را خلاف تمام قوانین داخلی و امنیتی شان، به امریکا مسترد میکنند؟ در امریکا هم معلوم و آشکار است که در بهترین حالت به حبس ابد، و در بدترین حالت، به اعدام محکوم میکنند. او هم یک خبرنگار نترس و بی هراس بود که کثافت کاری های قصر سفید و سی آی ای را و پنتاگون را افشا کرد و اسناد آن جنایات را با مردم جهان شریک ساخت و مصدر خدمت بزرگی برای بشریت گردید. بگفته حافظ شیرازی:

گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد
فیض روح القدس از باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

در یک سوی کره ارض، یک گزارشگر و خبرنگار و افشاگر، به غل و زندان و زنجیر کشیده می شود و سالیان سال در زندان و تبعید می ماند و سایه مرگ هم بلاوقفه بالای سر او در پرواز، و در سوی دیگر آن همین خانم ها و آقایان که حقوق انسانی یک انسان را بصورت وحشتناکی پامال

میکنند، داد و فریاد راه می اندازند که فلان و بهمان را بدون قید و شرط و فوراً از قید و بند، بدون در نظر داشت قاعده و قانون، آزاد کنید.

آنان که مشهور اند به قانون شکنی امروز نماینده قانون شده اند

خلص معلومات در مورد "جولیان آسانژ" از ویکی پدیا:

"... او در کشورهای زیادی زیسته و در بسیاری از مناطق دنیا در باره آزادی بیان، سانسور و روزنامه نگاری پژوهش و سخنرانی کرده است. ویکی لیکس مطالبی در باره کشتارهای غیرقانونی در کنیا، دفع زباله های سمی در ساحل عاج، کتاب های راهنمای کلیسای ساینترولوژی (کلیسای علم شناسی)، وضعیت اسیران ارتش امریکا در بازداشتگاه گوانتانامو و عملکرد بانک هایی مانند کوپتینگ و جولوس بائر منتشر کرده است.

در سال ۲۰۱۰ ویکی لیکس اسناد جنگ عراق از جمله ویدیوی کشتار غیرنظامیان در عراق توسط هلی کوپتر های اردوی امریکا، و افشاگری جنگ افغانستان را در باره درگیری آمریکا در این جنگ ها منتشر کرد که برخی از آن ها اسناد محرمانه بوده اند. در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰ ویکی لیکس و پنج همکار مطبوعاتی شپیگل، نیویورک تایمز، لوموند، گاردین و ال پاپس شروع به انتشار شنود های غیرقانونی دیپلماتیک امریکا-افشای اسناد دیپلماتیک امریکا - کردند...

حال می بینیم که همین ها در کشور ما، بی قانونی و قانون گریزی و قانون شکنی را مروج می سازند و هنوز هم گویا از سر گل ما دست بردار نیستند.

نمی گویم که گیر و گرفت و توقیف و زندان و ...، از سوی طالبان و یا هر رژیم دیگر قابل تائید است، اما هر عمل، عکس العملی دارد، همانگونه که در مورد "جولیان آسانژ" این قضیه باریکی های خود را دارد، هر کشور دیگر نیز از همین قواعد و قانون ها، حالا خوب یا بد، پیروی میکنند تا به زعم خود شان از بی بند و باری و بی قانونی و قانون شکنی، جلوگیری نموده، مانع هرج و مرج و شورش و اختناق گردند.

از دعوت نمودن یک مشت زنان بی هویت و بی بند و بار به نمایندگی زنان مظلوم و دربند کشیده شده افغانستان به اسلو و پارلمان اروپا، میتوان برداشت نمود که این خانم ها و آقایان در تلاش به کجراهه کشیدن افغانستان هستند و دیگر هیچ.

به این خانم ها و آقایان و اعوان و انصار شان باید گفت که: "خانم ها و آقایان، ما را از خیر شما امیدی نیست، از روی لطف، شر نرسانید." و عطای تان به لقای تان، بروید چاره خود و کشور های تانرا بکنید. انگلستان نظر به کدام قانون خود، "جولیان آسانژ" را به امریکا مسترد می کند؟!!

امریکا چرا از افشای راز های پشت پرده خود وحشت دارد؟! اهداف و مقاصد اسلو و پارلمان اروپا، کدام ها اند و در کشور دربند کشیده شده ما کدام اهداف شوم شانرا دنبال میکنند؟!

در مورد سرنوشت و سرگذشت تلخ "جولیان آسانژ" در همان ویکی پدیا چنین آمده است: "...آسانژ در فبروری ۲۰۱۱ در دادگاه(محکمه) بریتانیا برای بازپس فرستاده شدن به سوئد(سویدن) به منظور پاسخگویی به پرس و جو در باره اتهام جنسی حضور یافت. او در پاسخ به بازجویان(خارنوالان) اظهار داشت که نسبت هایی که به او داده شده بی پایه هستند و با قرار وثیقه آزاد شد. در ۱۹ ژوئن(جون) ۲۰۱۲ او به سفارت اکوادور در لندن پناهنده شد. در ۱۶ اوت(اگست) ۲۰۱۲ اکوادور تقاضای پناهندگی او را پذیرفت.

در فوریه(فبروری) ۲۰۱۶ یک کمیسیون سازمان ملل متحد این نظریه قانونی «غیر الزام آور» را صادر نمود که آسانژ تحت بازداشت خود سرانه قرار گرفته است و باید آزادی او به وی بازگردانده شده و غرامت پرداخت شود. این نظریه کمیسیون از طرف دادستانی های(محاکم) بریتانیا و سوئد و همچنین وزارت خارجه بریتانیا رد شد .

در مه(می) ۲۰۱۷، دادستان سوئد تصمیم با دستور توقف تحقیق در باره ادعای آزار جنسی آسانژ، حکم بازداشت او را باطل کرد .

لنین مورنو رئیس جمهوری اکوادور در ژوئیه(جولای) ۲۰۱۸ از صحبت هایی که با مقامات بریتانیایی برای لغو پناهندگی او صورت گرفته بود خبر داد. در ۱۱ آوریل(اپریل) ۲۰۱۹، پلیس بریتانیا با دعوت سفیر اکوادور وارد سفارت شد و آسانژ را بازداشت کرد. او تا آن هنگام در یکی از اتاق های سفارت اکوادور در لندن زندگی می کرد..."

این است احترام به حقوق بشر که سردمداران و مدافعین آن(امریکا و انگلستان و سویدن و...) با دهل و سرنا اعلان کرده و برای آن گلو پاره میکنند و داد می زنند که در فلان و بهمان کشور، حقوق اساسی مردم پامال می شود. خانم ها و آقایان شما ها اولتر از همه درد های بی درمان کشور های خود را درمان کنید، بعد به فکر و ذکر کشور های دیگر شوید. به گفته مشهور وطنی ما" در خانه خود آتش بریده نمی توانید، در خانه همسایه سیمیان می برید"، وجدان هم چیز خوبی است، اما با درد و دریغ که شما ها خانم ها و آقایان فاقد آن هستید.

در بیست سال پسین که رژیم های افغانستان به ساز امریکا میرقصیدند، افراد و اشخاصی را شاهد بودیم که بیشتر از ۱۶ و ۱۷ سال در زندان پلچرخی زندانی بودند که حتی محاکمه نشده، جرم شان

ثابت نگردیده و مدت حبس شان تعیین نشده و برای شان ابلاغ نگردیده بود که ویدیو های آنها در یوتیوب موجود بود. اما هرگز صدای اعتراضی از مقامات امریکائی و اتحادیه اروپا در مورد شنیده نشد.

خواهر ما، روانشاد " فرخنده ملکزاده" را در روز روشن و در چند متری قصر ریاست جمهوری، در کابل و در ملاء عام سنگسار کردند و یک مشت اوباش و گماشتگان جنگ سالاران خونریز، با موجودیت پولیس رژیم، زنده زنده آتش زدند و به یک مشت خاکستر مبدل ساختند، اما هرگز از مقامات امریکائی و اتحادیه اروپا صدای اعتراضی بلند نشد.

چور و چپال و دزدی و کیسه بری و قتل و کشتار در تمام افغانستان و بخصوص کابل زیبا، به اوج خود رسیده بود، اما آبی از آب تکان نخورد که نخورد.

رسوائی و فساد اخلاقی و تجاوز به عنف در ریاست المپیک افغانستان، گندش به آسمان ها رفت، رئیس متجاوز فدراسیون فوتبال زنان افغانستان "کرام الدین کرام" با تمام امکانات دولتی به پنجشیر



فرار کرد و از او حمایت گردید، اما خانم ها و آقایان در مقامات بلند امریکا و اتحادیه اروپا، در خواب خرگوش فر رفته بودند و کر و کور و لال تشریف داشتند. جهت معلومات بیشتر در مورد به لینک ذیل مراجعه کنید:

[آزار جنسی فوتبالیست های زن افغانستان](#)

فساد مالی و فساد اخلاقی در سرتا سر رژیم های مورد حمایت امریکا، در افغانستان به اوج خود رسیده بود و هر ساله پیهم در این موارد، افغانستان در جهان مقام اول را کسب کرده بود، اما هیچ اعتراضی از خانم ها و آقایان متذکره صورت نگرفت.

بیشتر از پنج هزار تروریست طالب در اثر فشار امریکا و اتحادیه اروپا از زندان ها، آزاد گردیدند و به میدان های جنگ و کشتار و انتحار برگشتند و دمار از روزگار مردم مظلوم افغانستان بدر آوردند، اما خانم ها و آقایان که امروز در جلسات اتحادیه اروپا، یک مشت زنان بد کاره را نماینده زنان مظلوم افغانستان معرفی میکنند، آن زمان کوچکترین اعتراضی نکردند و...

اگر این لیست را ادامه دهم، مثنوی هفتاد من کاغذ می شود که در این مختصر فقط به مشت نمونه خروار و کمی از بسیار و ذره از ابحار آن جنایات اکتفا گردید.

خانم ها و آقایان، برای مردم دربند کشیده شده افغانستان و زنان مظلوم افغانستان، نماینده تراشی نکنید که در حقیقت به منزله تفرقه سر بالا است که دوباره به روی خودتان فرود می آید. برای مردم افغانستان اکت های داعیه های مهربانتر از مادر نکنید که خریداری ندارد. بازار شما دیگر در افغانستان گساده شده است و متاع تاریخ زده تان هرگز خریداری ندارد و مردم مظلوم افغانستان با شرایط سختی که شما ها بالای کشور دربند کشیده شده ما تحمیل کرده اید، روزگار بدی را میگذرانند، اگر سهواً دل های سنگ تان به حال مردم مظلوم افغانستان می سوزد، که غیر قابل باور است، پس فقط نگذارید هموطنان مظلوم ما از گرسنگی در این زمستان سرد، تلف شوند. آنان فقط نان و سرپناه می خواهند و به دایه های اروپائی و نماینده های آنچنانی ضرورتی ندارند.

آقای جو بایدن رئیس جمهور فعلی ایالات متحده امریکا، نابخردانه دستور صادر فرموده اند که از هفت میلیارد دالر ذخیره بانکی افغانستان در بانک مرکزی امریکا، سه و نیم میلیارد دالر آن برای بازماندگان فاجعه یازدهم سپتامبر در امریکا، پرداخت شود و...، به این میگویند "از کیسه خلیف بخشیدن"، این خود یک قانون شکنی جدی بین المللی است. حملات انتحاری در نیویارک و واشنگتن را بصورت عام و تام، تروریستان عرب انجام دادند و افغانها در آن حملات هیچ دستی نداشتند، اوسامه بن لادن هم که گویا طراح آن حملات بوده است (که تا حال ثابت نشده است)، نیز در پاکستان زندگی میکرد و تحت حمایت مستقیم مقامات نظامی- استخباراتی پاکستان قرار داشت، اوسامه بن لادن را هم همین مقامات امریکائی از طریق نیویارک به پشاور- پاکستان فرستاده بودند، افغانها در این داد و معامله ها و در آن حملات انتحاری هیچ نقشی نداشتند، پس چرا باید بجای عرب ها و پاکستانی ها و جاسوسان و فرستادگان سی آی ای، مردم عام افغانستان باید مجازات شوند و غرامات بپردازند؟!

غرامات بیست سال جنگ و تجاوز امریکا و متحدین به افغانستان را کی ها باید بپردازند؟!
غرامات جنگ افغان- روس را فرد فرومایه بنام "برهان الدین جنگانی" از کیسه خلیفه بخشید و به نان و نوائی رسید.

غرامات جنگ افغان- امریکا را فرد فرومایه دیگری بنام "حامد کرزی" از کیسه خلیفه بخشید و به نان و نوائی رسید و...، مردم مظلوم، ستم دیده و تاراج شده افغانستان مگر چه گناه کبیره را مرتکب شده اند که باید در بین دو سنگ آسیاب خورد و خمیر شوند؟ آن پول ها که جو بایدن از کیسه خلیفه می بخشد، در حقیقت مال ملت و مردم جنگ زده و آفت رسیده افغانستان است، و نه از ملا و مولوی و چلی و طالب و نه هم از کرزی و کورزی و کلبی و مقصود.

چرا خانم ها و آقایان در اتحایه اروپا و اسلوم و ماسکو و پکن و...، به این قانون شکنی آشکار بین المللی جو بایدن اعتراض نمی کنند؟!

تا کی و تا کدام زمان این خانم ها و آقایان مهربانتر از مادر، کر و کور و لال تشریف دارند و تا چه وقت کور خود و بینای مردم باقی می مانند؟!

این پولها (۳/۵ میلیارد دالر)، پول یک کشور جنگ زده و برباد داده شده است، این پولها حق مشروع و قانونی بازماندگان شهدای بیشتر از چهل سال جنگ های تحمیلی و نیابتی نیمی از دنیا در افغانستان است.

این سرمایه حق مسلم بیوه زنان، یتیمکان و برباد داده شدگان افغانستان است.

این پولها از مردم مظلوم و بی دفاع و تاراج شده افغانستان است.

خوردن و بلعیدن این پول ها به منزله خوردن زهر هلاهل است که با خود مرگ و درد به همراه دارد و به آسانی هضم شده نمی تواند و دیر یا زود گریبان جو بایدن و اعوان و انصار او را گرفتاری است. این سخنان را به یاد داشته باشید!!!



باد خزان نکبت ایام ناگهان

بر باغ و بوستان شما نیز بگذرد

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

ای تیغتان چو نیزه برای ستم دراز

این تیزی سنان شما نیز بگذرد

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت

این عوعو سگان شما نیز بگذرد

آن کس که اسب داشت غبارش فرو نشست

گرد سم خران شما نیز بگذرد

بیش از دو روز بود از آن دگر کسان

بعد از دو روز از آن شما نیز بگذرد